

## حقوق جزائی

### تشدید و تخفیف در مجازات

اول آنکه خود اسباب و موجبات تشدید و تخفیف را که نسبتاً عهده دار و ضامن اجرایی توازن منظور است در نظر گرفته و در ساختمان قانون صریحاً قید می کند .

دوم از آنجائی که این راه در مان تقریبی و نسبی است و نمیتوان یقین کرد که منظور اصلی را تأمین بنماید بدادگاه قضائی نیز اجازه میدهد که برطبق اوضاع و احوال و باقتضاء اسباب و موجباتیکه تشخیص آنها در اختیار او است امر به تشدید و تخفیف مجازات صادر کند بنابراین عوامل و موجبات تخفیف و تشدید در دوجا خود سازی و خود آرائی خواهد نمود یکی در اساس و ساختمان قانون که نوع آنها همین است و دیگر در حکم دادگاه که نوع آنها غیر همین و باقتضاء احوال و اخلاق روحیه مجرم و درجه زیان جرم و تأثیر مجازات و بالاخره بسته بنظر قاضی امر است نتیجه که از این مقدمه در آمد ما میشود این فکر است که عوامل و موجبات تخفیف و تشدید از دو نوع بیرون نیست ،

اول - موجبات و اسباب تشدید و تخفیف قانونی که قانونگذار با آنها تصریح مینماید .

دوم - موجبات و عوامل قضائی که در قانون ذکر می باشد .

#### اسباب و موجبات قانونی تشدید مجازات

اسباب قانونی تشدید چنانکه گفتیم عبارت از موجبات معینی است که در قانون صریحاً ذکر میشود و قاضی دادگاه مکلف است در صورتیکه وجهه عمل و جرم را با مضرات قانون مطابق دید بدون تجاوز از نصاب و حد اکثر آن در مجازات تشدید را بکار برد و به عبارتی دیگر همان طور که تأسیس مجازات حقوق مجتصه قوه تقنینیه است نیز

چنانچه مکرر نگاشته ایم تأثیر نشو و فعالیت تکامل تدریجی در افکار جزائی سه اصل ایجاد و آنها را محور ساختمان مجازات قرار داده است که کاینجا فکر پاداش و سزا در اطراف اصول سه گانه سیر کرده و دور میزند .

۱ - مقایسه و سنجش زیان مجازات با زیان حاصل از جرم از نقطه نظر جبران و تعادل .

۲ - موازنه زیان مجازات با درجه تجریمی و خوی زشت کاری مجرم از لحاظ اصلاح و تأدیب خلقی وی .

۳ - سنجش بین زیان مجازات و تأمین آتیه از حیث تأثیر آن در ایجاد سکوت و اطیان عمومی بطوری که جامعه قانع شود در آینده زیان اعضاء او را قسراً نگرفته و امنیت و سلامت عمومی متزلزل نخواهد بود .

اصول سه گانه در اندیشه های جزائی پایه و مبنای ساختمان مجازات ها است که پیوسته در کوشش است توازن و تعادل بین آنها را نگاهداری نماید و چون این فکر عرض اندام نمود ایجاد فکر دیگری کرده که باید قانون اختراع مجازات از قانون حکم و قضاوت تمکین شده تا در نخستین مرحله مرکز ساختمان قانون مجازات را با جرم سنجش و آنرا بطوری بسازد که با منظور و اصول سه گانه موافق آید و بعد قانون دوم که دادگاه قضائی است با جرم واقع را با قانون مجازات تطبیق نموده و امر به مجازات بدهد و همینکه این دو فکر ثابت و مستقر شد اندیشه سومی آمد که ترازی و فکر هر دو قانون در کشش و سنجش زیان و تشخیص درجه تأثیر مجازات باین درجه حساس و دقیق نیست که بتواند حاصل جمع تعادل حقیقی را مطابق اصول سه گانه تشخیص داده و نشان بدهد اینجا ناگزیر اصلاننده مجازات محض رعایت توازن و تعادل دو راه را

تعیین موجبات تشدید از حقوقی و در سلسله و اقتدار است و تنها وظیفه و حقی که برای دادگاه اصولاً مقرر شده همانا بی بردن بوجه عمل و تطبیق آن است با عناصرین و موجبات تشدید که قانون بانها تصریح کرده است هر چند امر به تشدید حد اکثر و آخرین مرز نصاب مجازات را بنمایند .

بنا بر این جایز نیست که دادگاه از حریم سلطه و اقتدار مخصوص خود تجاوز و سوء استفاده نموده موجباتی که در قانون برای تشدید معین نشده است تشخیص بدهد . فلسفه محدودیت اقتدار و سلطه دادگاه در این قسمت همان فلسفه است که اساساً مرکز ساختمان قانون را از دستگاه قضاوت جدا و سجزی ساخته و بهمان دلیل که یگانگی مرکز قوه تقنینیه و قضائیه و اجرائیه ایجاد فساد و مظالم و تجاوزات غیر قابل تحمل و طقت فرسا مینمود که بالاخره افکار قرون معاصر آنها واژگون کرده و برای هر یک مرکز و وظیفه و اقتدار مخصوصی تشکیل و قرار داده است و این حق را از آنها گرفت که بتوانند در وظیفه یکدیگر دخالت نمایند نیز چون دخالت و استقلال آزاد قوه قضائیه در تشخیص موجبات تشدید باعث شقاوت و فساد و قساوتکاری و تبعید همان حکومت مجازات عرفی میشد که در ادوار پیش از دوره تفکیک و تجزیه نیروی سه گانه دائر و حکم فرما بوده و دنیای امروز آنها از بیخ و بن برانداخته است بدین جهت حق تشخیص موجبات تشدید را از وی سلب و بخود اختصاص داده است - پس تردید نیست که تشخیص و تعیین موجبات تشدید از وظایف مخصوصه قانون قانون سازی و تشخیص و تطبیق بوجه عمل با موجبات قانونی تشدید در حدود نصاب با قضاوت تشخیص جرم خواهد بود و نظر بانکه بهترین تعرفه و تقسیم در نظر نگارنده تعریف و تقسیمی است که گارو آزادانشند بزرگ در این موضوع نگاشته است از این جهت خلاصه بیاناتی را که در این قسمت نموده با اضافه یک سلسله مطالب برای پروراندن مقصود وی مینگاریم .

### انواع موجبات قانونی تشدید

اسباب و موجبات تشدید قانونی مجازات و با اعتبار

دیگر فلسفه تشدید مجازات در باره مجرم و وارد ساختن زبان شدید بوی همانا شدت زبانی است که بر اثر ارتکاب جرم وارد میاورد و همانطور که بنا و اساس ساختمان جرم و لزوم مجازات بر روی پایه و اصل زبان گذاشته شده کیفیت شدت و ضعف زبان جرم هم اصل دیگری است برای فکر تشدید و تخفیف زبان مجازات .

حال که فلسفه تشدید مجازات معلوم شد لازم است کینه عوامل مؤثره در شدت زبان جرم و ماهیت آنها را بشناسیم تا بمناسبات و روابط بین تشدید مجازات و موجبات و اسباب آن پی برده و در ضمن بیابیم که قوه تقنینیه از چه نقطه نظر امور معینه و مخصوصه را عوامل مؤثره از جهت تشدید مجازات تشخیص میدهد .

عامل مؤثر و موجب زبان شدید جرم که در نظر قانون گذار مستوجب تشدید مجازات است گاه در طبیعت و ذات عمل و جرم بوجود میاید که رکن مقوم خارجی آن است و گاه در جزء احوال و نشون و اطوار فاعل و مرتکب جرم میباشد و در بعضی موارد مختص بجرم خاصی است که در جرم دیگری نیست و در مواردی بین جرائم مشترک و عمومیت خواهد داشت .

از آنجائیکه عوامل مؤثره در تشدید مجازات بشرحیکه نگاشته شده مختلف و ایجاد اعتبارات گوناگون مینماید بدین جهت موجبات تشدید با اعتبارات ذات و طبیعت فعل و جرم و حالات فاعل و از حیث اختصاص و تعیین در جرائم بچهار نوع تقسیم میشوند :

۱- موجبات تشدید معمولی است که باعتبار ذات و طبیعت عمل و جرم میباشد .

۲- موجبات تشدید فاعلی که باعتبار حالات فاعل جرم است .

۳- موجبات تشدید باعتبار وجود آنها در جرائم مخصوصه که اسباب تشدید خاص نامیده میشود .

۴- موجبات تشدید باعتبار تعیین و توسعه آنها در جرائم که آنها اسباب تشدید عام میگویند .

برای آنکه خوب بحقیقت عوامل و اعتبارات چهارگانه پی برده و نتایج و ثمرات این تقسیم را بیابیم

نگارنده لازم می‌داند که هر يك را جداگانه مورد بحث و گفتگو قرار بدهد

### اسباب تشدید مفعولی

اسباب تشدید مفعولی ارکان و عناصر مخصوصه است که شخصیت وجود خارجی جرم را بصورت و کیفیت خاصی که زبان آن شدیدتر از ارکان و مشخصات فرد دیگر از همان نوع جرم است در آورده و هدف را قربانی زیان سنگین و شدید خود می‌سازد مثلاً در صورتیکه مشخصات جرم سرقت عادی باشد و مطابق ماده دو بیست و بیست و هفتم قانون مجازات عمومی ما مقرون بهیچیک از عناصر مندرجه در ماده ۲۲۶ قانون نامبرده نیست مجازات حبس تادیبی آن خفیف و از دو ماه تا دو سال است و چنانچه سرقت با ارکان دیگری از قبیل سرقت شبانه و از جاهای مسکون و یا مجلهای عمومی و یا تعدد سارق از دو تن بیلا و ریالیک تن در حالتیکه حامل سلاح است شخصیت وجود خارجی یافت مجازات حبس چنین عمل اشد و مطابق ماده دو بیست و بیست و هشتم قانون مزبور از شش ماه تا سه سال میشود

و هرگاه عناصری که زبان آنها از نظر قانون بیش ارکان جرائم پیشین است جرم را از قوه بوجود آورده که در نتیجه هدف جرم دچار زیان سنگین تری شده است مانند سرقتهایی که موافق ماده ۲۲۵ قانون مجازات عمومی ما شبانه رخ داده و سارق از دو تن یا بیشتر که یکی از آنها حامل سلاح ظاهر و یا مخفی است در اینگونه موارد قانون از لحاظ شدت زیان عمل جرم را جنائی تشخیص و در مجازات مرتکب آن تشدید و حبس یا اعمال شاقه از سه تا پانزده سال مقرر داشته است

خلاصه تمام جرائم مزبوره بکنواخت سرقت و حقیقت آنها جز ورود مال غیر بقصد اضرار چیز دیگری نیست ولی نظر به اینکه ارکان و عناصریکه مواد سرقتهای مختلفه را تشکیل داده گوناگون و زیان حاصل از آنها بیکیان و یک میزان نیست و بعضی زیان کمتری آورده و بعضی دیگر زیان بیشتر ایجاد میکند از آن است که قانون

باقضاء شدت زیان جرم در مجازات تشدید خواهد کرد چه آنکه بدیهی است بودن مال غیر بقصد اضرار در روز از غیر محل سکونی و مجلهای عمومی و بدون شکستن حرز و حایل اسلامه در صورتیکه سارق بیست تن و مال مسروق مال کسیکه مرتکب کارگذار و یا خادم او نباشد و بنسبیت شغل وی با وسپرده نشده است زبانی بجز فقدان مال که از کم و استفاده صاحب آن بیرون رفته و تشویش جامعه بهمان تناسب نیست ولی اگر سرقت در محل سکونی و شبانه که کمتر دقت بر بقرای تأمین و دفاعیه رسمی و غیر رسمی بزد رخ داده و بیلاوه سارق متعدد و حامل سلاح هم باشد که در این مواقع بیم وقوع جرائم مهمتری میرود زیان بیشتری محسوس و تشویش جامعه از این حیث شدید تر و ناگزیر بهمین جهت قانون بر مجازات مجرم خواهد افزود این است حقیقت و معنی اسباب و موجبات قانونی تشدید مفعولی مجازات که با اعتبار شدت زیان حاصل از طبیعت و ذات جرم عامل مؤثر است در تشدید مجازات

### اسباب و موجبات قانونی تشدید فاعلی

اسباب و موجبات تشدید فاعلی مجازات احوال و احوال و اسباب را اسباب شخص فاعل و مرتکب جرم است که قانون از لحاظ اهلیت و شدت خطر و زیان آن احوال در مجازات تشدید مینماید مثل سبق تصمیم در جرم قتل که اگر در طی مبارزه و نبرد با کسی همان آن برای مجرم قصد نابود ساختن آنکس پیش آمده بدون آنکه قبل از مواجهه تصمیم گرفته باشد حتماً مجازات چنین قانونی با مرتکب قتل که از پیش و قبل از مواجهه با هدف تصمیم گرفته سپس در کارزار وارد و تصمیم خود را بموقع اجرا گذاشته است نباید یکسان باشد زیرا قصد و تصمیم قبلی که از احوالات روحیه و معنوی فاعل و مجرم بشمار میآید که شرف از شدت تفاوت و زشتی سرشت او است که با فراغت حواس و فرصت وقت از جهت سنجش بین سود و زیان عمل و توجه بمال کار و عواقب وخیم قانونی جرم باز باصرار خود باقی و نیت خویش را اجرا نموده است و با اینچنان شریز رنگ و خطیری برای جامعه و امنیت و سلامت عمومی است و نباید مجازات این دو قاتل یک نواخت باشد

## فایده و ثمره این تقسیم

ثمره و فایده تقسیم موجبات تشدید قانونی بدو قسمت مفعولی و فاعلی در شرکاء جرم ظاهر خواهد شد چه همانطور که پیش گفته ایم اگر موجبات تشدید مجازات جزء عناصر و ارکان جرم و مشخصات وجودی آن باشد که مربوط بذات و طبیعت عمل است نه حالات و اوصاف قابل و مرتکب شرکاء جرم همگی مسئول و مجازات در باره تمام آنها یکسان و بدون تفاوت تشدید میشود بدلیل آنکه تشدید مجازات یعنی زیاد روی در ایجاد زیان نسبت به مجرم بر اثر شدت زبانی است که بوسیله ارتکاب جرم به هدف وارد آورده و او را قربانی جرمش ساخته است و چون این زیان در نتیجه عمل و فعل تمام شرکاء بوجود آمده ناگزیر بایستی تشدید مجازات را با رعایت مساوات در حق آنان منظور داشت و هیچگاه دادگاه موظف نیست که نسبت بهر يك از شرکاء جرم فرد فرد جستجو و رسیدگی خاصی بنماید چه آنکه تشدید نتیجه ذات عمل و جرم است و شرکاء همگی آن عمل را انجام داده اند و حقا باید تشدید بموم آنها در آمد شود و چنانچه موجبات تشدید از احوال و اوصاف شخص مجرم باشد نه عامل و شخص خارجی جرم در این مورد تشدید مجازات تابع حالاتی خواهد بود که در شرکاء جرم موقع عمل وجود داشته است مثلا اگر یکی از شرکاء جرم با سبق تصمیم و قصد پیشین اقدام بقتل نموده و شریک دیگر مقارن عمل و بدون سابقه تصمیم شرکت نموده ولی مستحق تشدید مجازات است و برای دومی موجبی از جهت تشدید نیست در این صورت دادگاه باید موقع محاکمه بدو امر رسیدگی نماید اول وقوع جرم بشرکت اشخاص دوم آنکه کدام يك از آنها با سبق تصمیم و قصد پیشین مرتکب جرم قتل شده و کدام از آنها سبق تصمیم نداشته است این بود موجبات تشدید مجازات قانونی.

## موجبات تشدید قضائی

هر چند قضاوت و دادگاهان حق ندارند در تشدید مجازات از حدود نصاب قانونی تجاوز نمایند ولی از آنجائی

که نظر مقنن در ساختمان نصاب مجازات و سنجش زیانها و تشخیص درجه تأثیرات آنها بطور حدس و تخمین است و بهمین جهت برای مجازات ها اغلب حد اقل و اکثر قرار داده که نتیجه قضاوت بتعادلی و توازن نزدیک شود بدین سبب طبق قانون کلی بدادگاهان اجازه و اختیار داده است که باقتضا موجبات تشدید در مجازات تشدید نمایند مشروط بر آنکه از حد اکثر و آخرین نصاب قانونی مجازات تجاوز نکند.

اسباب و موجبات تشدید قضائی احوال و اوصاف و اوضاع و عناصر معین و محدودی نیست که بتوان عناوین آنها را بطور کلی و قدر جامع ذکر نموده و فهرست راهنما برای عمل قرار داد و فقط در اختیار قاضی و حاکم امر است که باراده آزاد خود چنانچه علمی برای تشدید دید حکم به مجازات شدید در حدود قانون بدهد ولی تا این اندازه میتوان تشخیص داد که موجبات تشدید قضائی طبیعی باشد مثل همان اسباب مشدده قانونی از دو نوع بیرون نیست یا از کیفیات و مشخصات وجود خارجی عمل و جرم محسوب و یا جزء احوال و اوصاف فاعل و مرتکب جرم بشمار میاید چه آنکه احساسات دادگاه در تشدید مجازات بر اثر سنجش و موازنه قضائی است بین زیان حاصل از جرم نسبت به هدف و قربانی آن و احراء زیان مجازات و بدیهی است که شدت زیان جرم و عمل مجرم نتیجه و مولود دو عامل قوی است یکی کیفیات و مشخصات خارجی ذات عمل و دیگر احوال و اوصاف شخص مجرم مثلا آدم کشی با نیروی برق و ناگهانی بدون آزار و اذیت مقتول و یا با مقدمات و اسباب طولانی زجر و شکنجه و عذاب هر دو زیان آور اما زیان دومی از نقطه نظر شدت غضب و تنفر و بیم و وحشت جامعه و فجایع دلخراش جسمانی که از جهت نابود ساختن قربانی جرم بوی وارد آمده بیش و احساسات سنجش و توازن قضائی قانع نخواهد شد که مجازات مجرم دومی با آن کیفیات جگرگداز بایاداش و سزای مجرم نخستین یکسان باشد.

لطیفی رئیس استیفاء مراکز  
نا تمام